


شهرآرا در آستانه روز معلم
از سنتی می‌گوید که روزی ساده و اختیاری بود
اما حالا رنگ اجبار و تجملات گرفته است

# قدردانی زیر فشار تجملات

گزارش روز



رعنا جاوید
خبرنگار

**یک تکه چوب که رویش نوشته است «معلم عزیزم دوستت دارم»، یک قاب عکس، یک قندان بلوری و روسری که هرکدام خاطره‌ای از یک سال تحصیلی و تعدادی از دانش‌آموزانش بود، تنها دارایی‌های سی سال خدمتش به حساب می‌آیند. یکی که پولی نداشت، نقاشی می‌کشید و آن یکی که مرفه‌تر بود، کیف پول هدیه می‌آورد. سال‌ها از آن خاطره‌ها گذشته است و این روزها به جای اینکه دانش‌آموزان دغدغه آماده کردن هدیه دوست‌داشتنی معلمشان را داشته باشند، والدین نگران هستند که چگونه هزینه سنگین هدیه را تأمین کنند تا معلم هوای فرزندشان را داشته باشد. کنار همه مناسبت‌هایی که هرسال بیشتر رنگ‌ولعاب تجملات می‌گیرد، معلوم است که روز معلم و هدیه مخصوصش نیز بی‌نصیب نمی‌ماند؛ به‌خصوص حالا که مدارس غیردولتی اسم‌ورسمی پیدا کرده‌اند و پول، پایه به دست آوردن هر امکاناتی شده است، حتی محبت و توجه معلم. حالا در برخی مدارس ابتدایی، شکل داوطلبانه و انفرادی بودن تهیه پیشکش برای آموزگاران، رنگ اجبار و ریا به خودش گرفته است و معمولا یک نفر از اولیا که نماینده کلاس است، براساس خوشامد مسئولان مدرسه، رقمی را برای والدین تعیین می‌کند. به این ترتیب در چند سال آینده شاید هیچ خاطره و یادگاری از دست‌خط یا عشق دانش‌آموز در خانه هیچ معلمی باقی نماند.**

## نفری ۲میلیون تومان!

پسرش کلاس اول است؛ نه از این مدارس معمولی، یک مدرسه برند در بالای شهر. سال گذشته که خبردار شد بهترین معلم کلاس اول چه کسی است، همه تلاشش را کرد که پسرش را در کلاس او بگذارند. تلاشی در حد خریدن یک سکه پارسیان برای مدیر مدرسه: «بی‌انصافی نباشد، خیلی معلم خوبی هم هست. پسرم خیلی عالی الفبا را یاد گرفته و مستقل درس می‌خواند اما دردسر دیگر من، هزینه‌های سنگین معلم است». برای هر مناسبتی باید برای معلم هدیه درست‌وحسابی می‌خریدند. در حد کیفی از یک برند معروف چرم یا سکه، جوری که معلم کلاس راضی بشود؛ چون به قول نماینده کلاس «هرچیزی را نمی‌پسندد». زهره یکی درمیان هدیه می‌برد اما هضم این یکی برایش غیرممکن است: «نماینده کلاس پیام داده ۲میلیون تومان واریز کنید که برای روز معلم نیم‌سکه بخریم. تعداد بچه‌های کلاس هم ۳۶ نفر است. حساب کنید ببینید چقدر می‌شود. علاوه بر او دو معلم کمکی دیگر سر کلاس هستند که باید برای هرکدام جدا هدیه بگیریم. اگر پول هم داشته باشم، اصلا راضی نیستم چنین هزینه‌ای بکنم اما می‌ترسم پسرم متوجه بشود و خجالت بکشد. درست است که معلم خوب مدرسه بوده، اما قرار نیست بر سر والدین این همه منت بگذارند». شهریه مدرسه پسرش ۴۰ میلیون تومان بوده است، به اضافه ۱۰میلیون تومان بابت سرویس، اما او ادعا می‌کند معادل نیمی از شهریه را هم در طول سال برای معلم هدیه خریده است: «باید برای جشن اسم، روز تولدش، شب یلدا و روز مادر برای معلم هدیه می‌خریدیم، حتی تصمیم گرفته بودم وسط سال تحصیلی، مدرسه پسرم را تغییر بدهم. این کارها سیستم آموزش‌وپرورش را زیر سؤال می‌برد. اگر معلمی خدمت کردن است، این کارها برای چیست؟».

## پیشکش بلیت سفر خارجی!

«مادرم در دوران خدمتش هر سال هدیه‌ها را با وانت پیکان‌های قدیمی می‌آورد خانه. کلی هدیه ریزودرشت که دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف گرفته بودند. من و خواهرم نصف روز مشغول باز کردن و کلنجار رفتن با هدایا بودیم. مادرم چند روزی آن‌ها را روی اپن آشپزخانه و میز ناهارخوری می‌چید و از دیدنشان کیف می‌کرد. حالا که خودم معلم شده‌ام، از هدیه روز معلم خوشم نمی‌آید، ازبس تجملاتی و پردردسر شده است. مطمئنم بالاخره یک نفر پیدا می‌شود که دلش نخواهد در کادو شریک شود». شکوفه، معلم کلاس سوم یک مدرسه است. فقط هشت نفر از والدین کلاسی که او درس می‌دهد، پزشک هستند. بقیه هم یا رستوران دارند یا پمپ‌بنزین. می‌داند آن‌ها نگران هزینه کادو نمی‌شوند اما جور دیگری انتظار دارند: «من تجربه روز معلم سال‌های قبل را دارم. سکه یا یک تکه طلا می‌آوردند و باید کارنامه دخترشان را خیلی خوب می‌نوشتم. سال گذشته شش ماه بعد از شروع مدرسه، گفتم یکی از دخترها باید برود از کلاس اول درس بخواند؛ چون پایه بسیار ضعیفی داشت. اما آخر سال همه کارنامه‌اش «خیلی خوب» بود. والدینش، آژانس مسافرتی داشتند و روز معلم برای مؤسس مدرسه، بلیت یک سفر خارجی آورده بودند!».
شکوفه تأکید می‌کند که وضعیت هدایا بین معلم‌ها هم تفرقه ایجاد می‌کند: «روز معلم هرکدام می‌آیند توی دفتر مدرسه و تعریف می‌کنند که دانش‌آموزان برایش چه آورده‌اند. آن وقت معلمی که سکه گرفته، تصور می‌کند معلم برتر است و او که کادوی گران‌قیمت ندارد، بین همکاران سرخورده می‌شود و فکر می‌کند معلم خوبی نبوده است. سال بعد، آن‌هایی در انتخاب دانش‌آموزان درس‌خوان، موفق‌ترند که آوازه برتر بودنشان در مدرسه پیچیده است».

## ۱۰۰هزار تومان هم برای برخی والدین زیاد است

همیشه هم مبالغ هدیه‌ای که نماینده کلاس برای معلم جمع می‌کند، درخورتوجه نیست اما برای والدینی که درآمد ثابتی ندارند یا دو یا چند فرزند دانش‌آموز دارند، خیلی زیاد است. امیررضا سه پسر دارد که همگی در سن مدرسه‌اند؛ یک دوقلوی کلاس سومی و یک پسر دیگر که کلاس ششم درس می‌خواند. خودش کارگر کارخانه است و همسرش خانه‌دار. می‌گوید: معلم پسرهایم گفته بچه‌ها هرقدر بیشتر کادو بیاورید، من شما را بیشتر دوست دارم. نماینده کلاس گفته نفری ۱۰۰هزار تومان بدهیم ولی چطور به معلم و بقیه اولیا بگوییم که همین قدر هم برای ما زیاد است؟ ولی چاره نداریم. وضعیت درآمد خیلی از خانواده‌ها در محله ما همین است. همه کارگر هستند؛ حالا کمی بالا و پایین. معلم هم نباید توقع هدیه آن‌چنانی داشته باشد.
زهرا به‌تنهایی با پسرش زندگی می‌کند. خرج هردوشان با پدرش است؛ چون خودش کاری ندارد و با این اوصاف، هرسال دغدغه روز معلم را هم دارد: «تعطیلات عید که تمام شد، در مدرسه جلسه گذاشتند برای تعیین تکلیف کادوی روز معلم. مدیر گفت که برای هر معلم یک کارت هدیه می‌گیرند. حالا ما قبول داریم که معلم‌ها زحمت می‌کشند اما تعیین مبلغ، کار درستی نیست. دست‌کم بگویند هرکه هرقدر توانست، واریز کند. توی جلسه که هیچ‌فردی به‌خاطر فرزندش جرئت اعتراض نداشت اما بعد که گفتیم سخت است پول بدهیم، شنیدیم مدیر به نماینده‌های کلاس‌ها گفته اسامی کسانی را که پول واریز کردند، به معلم نشان بدهد که بداند چه کسانی مشارکت داشتند!».

## مسابقه تزیین کلاس

«از اول سال، بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کردند که برای جشن‌های مختلف هرکدام جداکار انجام بدهند و هزینه کنند. برگزاری روز معلم هم افتاده به گروهی که من نماینده‌اش هستم. درحالی‌که شاغل هستم و دردسرهای خاص زندگی را دارم، باید به فکر تزیین کلاس و برگزاری جشن هم باشم. یک عده از والدین هم حاضر به هیچ‌گونه همکاری نیستند». نازنین سلیقه هنری خوبی دارد و شاید همین هم باعث شد اول سال وسوسه بشود و نمایندگی کلاس را بپذیرد اما حالا پشیمان است: «پسر من در یک مدرسه غیردولتی معمولی درس می‌خواند و بچه‌های مدرسه هم وضع مالی متوسطی دارند اما من متوجه شدم انجام تجملات برای مراسم مختلف، بستگی به ذائقه معلم و مدیر مدرسه دارد. وقتی معلم به من زنگ می‌زند و اصرار می‌کند برای جشن کلاس را فاخر تزیین کنم، چگونه می‌توانم به مادرهای دیگر اصرار نکنم؟ درحالی‌که بعضی‌ها اصلا در هیچ برنامه‌ای مشارکت نمی‌کنند؟». او ادامه می‌دهد: برای جشن شب یلدا و تزیین کلاس مجبور شدم کلی وسیله از خانه بیاورم و بخشی از هزینه هم به گردن خودم افتاد ولی چاره‌ای نبود. حالا زمزمه مدرسه این است که کلاس‌ها بر سر تزیین با هم رقابت کنند و حتم دارم برای تهیه کادو هم همین است. مادرها راضی به پرداختن نفری ۷۰ هزارتومان نمی‌شوند و تقصیر را به گردن من نماینده می‌اندازند، درحالی‌که اگر کم‌کاری کنم، فرزند خودم هم در معرض آسیب است.

## مبلغ هدیه: تا بی‌نهایت

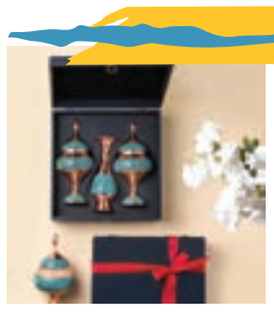
«پک قهوه‌چی: ۴میلیون و ۷۹۰هزارتومان، پک چای‌بار: یک میلیون و ۷۹۰هزارتومان، بالش چشم: ۲۲۶ تا ۲۸۹هزارتومان، پرنده برنجی: یک میلیون و ۴۵۰هزارتومان، کیف گذرنامه چرم: ۴میلیون و ۸۵۰هزارتومان، پک مراقبت از پوست: یک میلیون و ۴۵۰هزارتومان، پک ظروف مینا کاری شده: ۱۴میلیون و ۵۰۰هزارتومان». «اگه دوس داری برای معلمت طلا بخری، از پیج ما خرید کن که کلی طلای زیر ۲میلیون تومن داریم». اجازه بدهید، این‌ها شرح دارد. این‌ها فهرستی از محصولاتی است که در سایت‌های مختلف به‌عنوان هدیه روز معلم تبلیغ شده‌اند. از زیر ۱۰۰هزار تومان پیشنهاد هدیه دارند تا چندمیلیون تومان. به‌جای شما فکر کرده‌اند و از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را به شکل زیبایی، کادوپیچ کرده‌اند و با واریز وجه به منزلتان ارسال می‌کنند. به احتمال فراوان، مبالغ بالای هدیه‌ها برای تقدیم به دبیران دبیرستان یا استادان دانشگاه، خریدار دارد اما سؤال اینجاست که چرا ارزش آموزش و وجود آموزگار باید با میلیون تومان سنجیده شود؟ ترویج تجملات، سر از درس و مدرسه درآورده و باعث شده است آن‌ها که مرفه هستند، خیال کنند هرچیزی قیمتی دارد حتی معلم.

## نمونه‌ای از برخی هدایای روز معلم


بالش چشم


پرنده برنجی


پک چای بار


پک ظروف مینا کاری


پک قهوه چی


فلاسک سه کاپ


کیف گذرنامه


مراقبت از پوست

نکته

## حس حقارت و خودشیفتگی

تغییر سنت‌های زیبا و نیک گذشته یا وارد کردن تجملات و تشریفات در آداب نیک اجتماعی، می‌تواند به‌شدت آسیب‌زا باشد و به‌تدریج همه فلسفه رفتارهای صحیح اجتماعی را زیرسؤال ببرد؛ شبیه آنچه بر سر سپاسگزاری از معلمان می‌آید؛ البته در این موضوع، دگرگونی رفتارها ناشی از روحیه و شخصیت والدین یا کودکان است. حسین سلیمان‌پورمقدم، دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی، این تغییر رفتارها را ناشی از تیپ شخصیتی والدین و کودکان می‌داند و توضیح می‌دهد: حدود ۷۰ یا ۸۰درصد این شکل از رفتارها مربوط به شخصیت والدین است و باقی آن به خلقیات دانش‌آموز برمی‌گردد که هدیه معلم را به چه کمیت و کیفیتی ارائه دهند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها مربوط به والدینی است که احساس حقارت یا شخصیت خودشیفته و نمایشی دارند. این افراد تمایل به تهیه هدیه گران‌تر و بزرگ‌تر دارند که اتفاقا درمقابل دیگر دانش‌آموزان به معلم داده شود و از آن فیلم و عکس می‌گیرند و در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. به گفته او بخش دیگری از ماجرا هم به دانش‌آموزانی برمی‌گردد که اعتمادبه‌نفس پایینی دارند و قصد دارند با تهیه هدیه‌ای خاص، نظر معلم را جلب کنند. این‌ها از عوامل بسیار مهمی است که در تهیه نوع هدیه مؤثر است. این روان‌شناس با مقایسه گذشته و حال می‌گوید: من هم چند سال معلم مدرسه بودم و می‌دانم که در قدیم، بچه‌ها براساس توانمندی خود هدیه می‌آوردند و به همین مقید بودند نه جنس و مدل آن. یادم هست یکی از همکارانم تعریف می‌کرد دانش‌آموزش بعد از گذشت چند روز از روز معلم، گیره موهایش را روزنامه پیچ کرده و برای او آورده بود. سلیمان‌پور یادآوری می‌کند: اینکه خانواده‌ها گروه و کانال دارند و یکدیگر را وادار به پذیرفتن شرایط می‌کنند، وضعیت را سخت‌تر می‌کند. افراد باید به بلوغ فکری و عقلانی رسیده باشند تا شکل رفتارها اصلاح شود. رفتارها هرگاه شکل اجبار و تکلیف به خود بگیرد، آزاردهنده می‌شود و نیت اصلی خود را از دست می‌دهد. باید یاد بگیریم دیگران را وادار به انجام کاری نکنیم، حتی اگر یک اقدام انسان‌دوستانه و قدردانی باشد و همه این‌ها باز به شخصیت و روحیات هرکدام از ما برمی‌گردد.

## دردسر برای همه

تهیه هدیه روز معلم برای همه، دردسر شده است. هرکدام به نوعی از اجبار و اصرارها گلایه دارند. شاید چون زمان تحصیل خودمان، والدین پولی خرج تحصیلمان نمی‌کردند، راضی می‌شدند روز معلم هدیه بیاورند و حالا ازبس مخارج مدرسه زیاد است، گلایه دارند. تهیه کادوی روز معلم، جزئیات دیگری هم دارد و محدود به معلم کلاس نیست. مهسا، معلم یک مدرسه دولتی است؛ نه معلم ثابت، بلکه حق‌التدریس است و به قول خودش، مدیر با آن‌ها هشت ماهه قرارداد می‌بندد. نکته‌ای که او به آن اشاره می‌کند، زحمت تهیه هدیه برای مدیر مدرسه است که شاید از آن غافلیم: «خیلی‌وقت است که رسم شده معلم‌ها برای مدیر هدیه بگیرند. مدیر مدرسه ما هرسال همکاران را به رستوران دعوت می‌کند و درمقابل ما باید برایش طلا بخریم. فکر می‌کنید چه کسی پیشنهاد خریدن هدیه را می‌دهد؟ معاون آموزشی مدرسه که همکار قدیمی اوست. از اواخر پارسال به همکاران می‌گفت: خانم فلانی طلا خیلی دوست دارد. ما هم برای تمدید قرارداد، مجبوریم همان چیزی را بخریم که او دوست دارد».